



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۰۵

عبدالقیوم میرزاده

ملت منافع ملی دولت – ملت در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت سیزدهم)

مدیران، متخصصین و مجریان امور اداره، اقتصاد و حکومت

از متخصصین، مدیران و مسئولین دستگاه حکومتی و سیاسی بگویم، اینها چون مجریان امور سیاسیون و یا مجری سیاست در کشور اند و گاهی هم خود سیاسیون و سیاست گذاران کشور اند در کلیه امور کشوری از جایگاه ویژه برخوردار اند، اینها هستند که حلقه اتصال مردم با رهبر و یا رهبری میباشند، اینها همچنان مشاورین سیاست گذاری ها میباشند و میتوان گفت که حلقه نفاق و وفاق هم در میان گروه های سیاسی و هم در میان مردم از همین جا مدیریت میشود. پس این حلقه را بیشتر به کاوش باید گرفت. در این هیچ جای شک نیست که بیشترین ضربات مهلک بر پیکر وحدت ملی از همین جا وارد میگردد، اینها هستند که اطلاعات نادرست را از گوشه و کنار جامعه به رهبری حکومت و رهبری سیاسی رسانیده و با مشاوره نا سالم ضد ملی یکی از عوامل اصلی صدور فرامین و دساتیر غیر عملی و گاهی هم نادرست از جانب ارگانهای رهبری کننده میگرددند که بلا اثر همین فرامین و تصامیم ضد ملی هم در توزیع ثروت و قدرت و هم در جابجایی کادر رهبری اداره حکومت و کشور این همه انقطابات در جامعه رو نما گردیده و روز تا روز این انقطابات عمیقتر و عمیقتر میگردد تا جائیکه هم اکنون در کشور ما افق ثبات و وفاق ملی ناپیدا گردیده است. به گواهی تاریخ این ها هستند که گوسفند وار مردم بیچاره ما را بیسواد و آغا بلی گوی نگهداشته و بخاطر تحقق آرمانهای ضد ملی شان به اینطرف و آنطرف میکشانند. این ها هستند که سینه مردم بیچاره و بیخبر از اوضاع کشور و جهان ما را سپر خویش ساخته اند و بهترین فرزندان این کشور را به کام مرگ فرستاده اند. این ها هستند که در تبنانی با دشمنان افغانستان در طول تاریخ معاصر این کشور جنگهای تحمیلی و فرسایشی را بر شانه مردمان و کشور ما تحمیل کرده و حق انتخاب را از مردم گرفته و کشور را تا پرتگاه سقوط حتمی پیش برده اند و عرصه را چنان برای مردم تنگ ساخته اند که به ذلت تن داده اند و این فشار مضاعف تا جایی پیش رفته که حتی سیطره بیگانه را هم ناگزیر پذیرفته اند. این ها هستند در عوض اینکه مردم را در اجرای مکلفیت های شان در قبال

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

وطن و مردم تشویق کنند بلعکس بمنظور تأمین منافع شخصی شان مردم را در نقطه مقابل تعهدات ملی شان ترغیب کرده و به مردم چنین افاده داده میشود که آزادی یعنی عدم مکلفیت در برابر قانون (قانون شکنی)، عدم مکلفیت در برابر وطن و مردم، آزادی یعنی سرباز زدن از پرداخت مالیات، آزادی یعنی شانه خالی کردن از اجرای پروگرامهای دولتی مانند دفاع از وطن مشترک و سهمگیری در پروژه های انکشاف ملی، آزادی یعنی عدم اطاعت از اوامر و فرامین دولت در یک سخن. این ها هستند که به دستور بیگانگان و دشمنان افغانستان گروه ها، اجتماعات و سازمانهای سیاسی و اقتصادی ساخته اند و با شعار های فریبنده و عوام فریبانه فرزندان پاک تینت این مرز و بوم را مانند عروسک به بازی گرفته اند، در حالیکه این حق را هرگز نداشتند تا مردم را ندانسته در تحقق سیاست های بیگانگان به بازی بگیرند و به این ترتیب بحران اعتماد را در جامعه پدید آورند.

اینها هستند که مردم را در بیخبری کامل نگه داشته و مردم بیچاره افغانستان نمیدانند چه سرنوشتی در انتظار خود و خانواده هایشان است در حالیکه این حق مردم است تا از تمام فعل و انفعالات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی که قرار است در جامعه انطباق یابد آگاهی داشته و در تمام این فیصله ها و تحرکات سهم داشته باشند. این ها هستند که در تبنانی با زورمندان محلی، خوانین، تیکه داران مذهبی و سایر چپاولگران مردم کشور را مخصوصاً در دو قرن اخیر به برده گی گرفته اند و بدون اینکه از کدام مرجع مشروع مشروعیت حاصل کرده باشد در تمام تصامیم از مردم نماینده گی میکنند.

ما که امروز به این همه مصیبت گرفتار آمده ایم نتیجه اشتباهات و خیانت های همین قشر متخصصین و مسئولین دستگاه حکومتی و خودفروشی های مسئولین سیاسی کشور ما بخصوص در دو سده اخیر میباشد. یکعده آرمان گرایانه به این می اندیشیدند تا راه صد ساله را در یکشب بروند و گویا نام خویش را در راه تحقق این و یا آن آرمان ثبت اوراق زرین تاریخ کنند، دیگری با غنیمت از فرصت بدست آمده از طرق مشروع و نا مشروع به اندوختن مکنات و جاه و جلال پرداخته است، عده هم به دستور اجنبی هرچه نارواست به این کشور و مردمش روا داشته است، آن دیگری هم آنقدر با افراط در شرع و شریعت مخلوط و مشبوع شده است که دیگر برایش انسان و انسانیت مفهومی نداشته و هر چه اعمال وحشیانه ضد انسانی را در زیر پوشش شرع و شریعت بر کشور و مردم بیچاره ما روا میدارد. البته که همه این ناروا ها، جنایات، کج کاری ها، کم کاری ها، ناپسامانی ها، ناتوانی ها در تحت اداره پروگرامها و پروژه های استخباراتی کشور های ذینفع در افغانستان میباشد ولی عدم تعهد ملی متخصصین، مدیران و مسئولین دستگاه حکومتی در دو سده اخیر کشور مهمترین عامل گسترش انقطابات جامعه، شدت اختلافات ملی تا سرحد جنگهای ذات البینی و داخلی، عقب مانده گی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و ده ها مصیبت خانمانسوز دیگر میباشد. سوگمنده این قشر است که غرض پوشش تمام خیانت ها و جنایات خویش به هر طرف تازیده و ملامت ها را در داخل و خارج از کشور جستجو و به مردم کشور و جهانیان وانمود میسازند که اگر فلان مشکل و فلان کمبود و فلان کاستی نبود ما چنین وچنان میکردیم..... بیخبر از آنکه تاریخ نام همه این سیه دلان را در دل خویش درج کرده و همه نسل های امروز و آینده به ایشان نفرین میفرستند. این ها هستند که در گزینش افراد در رده های دولت بر پایه منافع شخصی، گروهی، قومی و مذهبی عمل کرده و رده های تخصصی دولت در تحت بینش مخالف منافع ملی آنها به افراد نا متخصص سپرده شده و بدین ترتیب تحصیل کرده گان و آنانیکه تحصیلات دانشگاهی و تخصصی دارند به حاشیه مانده در حالیکه بیشترین بودجه کشوری صرف تحصیل و تخصص این قشر گردیده است به عناصرنا کار آمد تبدیل میگردند. این مسئله نه تنها پروسه ترقی و تعالی کشور را سد میگردد بلکه نسل های جدید را نیز مانند ویروس مزمن به این مرض مبتلا ساخته و مانع جدی در برابر افکار تحول پسند واقع میگردند و اکثریت جامعه که از قشر جوان متشکل میباشد در یک سردرگمی فکری تام قرار دارند. این ها هستند که برای بقای خویش تا توان دارند با اعمال ناشایست خلاف منافع مردم فاصله مردم و حکومت را بیشتر ساخته و باعث قانون ناپذیری و سرکشی مردم از فرامین و احکام دولتی شده و تضعیف قدرت دولتی در محلات میگردند. که البته گامهای نخستین را در راه تضعیف قدرت دولتی در محلات را نیرو های خارجی مستقر در افغانستان برداشتند، آنها بودند که در آستانه جنگ با طالبان صد ها هزار از مردم را بدون ثبت و قید مسلح ساختند و باعث ایجاد نیرو های بی بندوبار و قطاع الطریق گردیدند. این کاملاً مبرهن است که تطبیق قانون و قانون پذیری مردم و ایجاد حکومت قانون از اساسات مهم حکومت داری خوب است و این امر بوسیله یک حکومت مقتدر بوسیله حاکمان و ارگانهای امنیتی، عدلی، قضایی و نظم عامه مقتدر و معتقد و متعهد به حاکمیت قانون در کران تا کران محدوده ای کشور امکان پذیر میباشد. اگر نیروهای متشکله حکومت و دولت به اصول و قوانین مطروحه معتقد و متعهد نباشند این امر نه تنها ممکن نیست بلکه روز تا روز کشور و مردم را به نابودی کشانده، حاکمیت ملی را به خطر انداخته و حتی تمامیت ارضی کشور را نیز تهدید میکنند. این به این معنی است که قانون پذیری مردم مستقیماً متناسب به اعتقاد داشتن رهبری کشور و اجزای متشکله حکومت به قانون و قانونیت میباشد. چرا طالبان توانستند بسیار با نیروی اندک و زمان نه چندان طولانی در همین کشور ما که بعد از سال ۱۹۹۲ تنظیم های جهادی و قوماندانان شان آنرا به دقیقاً یک کشور ملوک الطوائف تبدیل کرده بودند و حتی بخش هایی از آن پول رایج شان را خود سکه میزدند نظم را تأمین و اصول و قانونیت خویش را بالای همه مردم تطبیق کردند؟ زیرا آنها از رأس تا قاعده همه به اصول خویش اعتقاد داشتند

ورهبيران و مجريان امور شان در محلات همه و همه در راه كه انتخاب كرده بودند توافق مشترك داشتند. اين بود راز موفقيت طالبان كه متأسفانه آنها اين موفقيت را در راه تطبيق قوانين غير ديموكراتيك بالای مردم عملی كردند. بالعكس حكومت مجاهدين يعنی آنهايي كه خود را سربازان خداوند (ج) در روی زمین ميدانستند چرا شكست خوردند و يا بهتر است بگويم تنها با شنيدن صدای پای طالبان همه دار و ندار شان را رها كرده فرار كردند. زیرا آنها بصورت قطع از حمايت مردم محروم بودند. آنها با تجزيه حاكميت در داخل كشور، بی ثباتی سياسی، عدم اعتقاد اعضای دولت بر سياست مطروحه، بروز قوم گرایی، محل پرستی، ملیت پرستی، تقسيم نا عادلانه قدرت میان اجزای متشكله قدرت، نادیده گرفتن تجربه، لياقت، اهليت، شايستگی مسلکی در انتصاب اجزای متشكله اداره، ناتوانی در اداره كشور برای ايجاد يك دولت فراگیر و مردمی، ترویج فرهنگ خشونت، حاكميت مطلق العنان قوماندانان بی تجربه و بیسواد جهادی در سراسر كشور، غارت و چپاول ثروت عامه، دولتی و دارایی های مردم، ضعف فرهنگی و بلند رفتن درجه فقر میان همه مردم كشور گور خود را كندند و از حمايت مردم خود را محروم ساخته و مشروعيت خویش را مردود ساختند كه اگر آنها از وابستگان و افراد مورد اعتماد سازمان استخبارات پاكستان ISI و ایالات متحده امريكا نمیبودند ديگر هرگز توان اداره كشور و جلب اعتماد مردم را نداشتند. اينكه امروز با وصف سرازير شدن معاونت های ميليارده دالری بين المللی ثبات در كشور تأمین نمیگردد و مردم از حكومت حمايت نمیکنند موجوديت همین قطاع الطریقان و زور گویان در اداره كشور و حكومت های موازی و پنهان میباشد. حالا ببینید اگر همین مدیران دستگاه اجرایی، متخصصین امور ورهبری موجود به قوانين مطروحه خودشان كه آنرا در زیر سیطره خارجیان ديموكرات، ديموكراتيك هم مینامند توافق و اعتقاد داشته باشند و با اين توافق و اعتقاد سراسر كشور را رهبری كرده و ناقضين قانون را به پنجه قانون بشارند و جلو هرچه قانون شکن و غاصب است بگیرند و مردم را در زیر چتر حمايتی، امنیتی و قانون مداری قرار بدهند ديگر در داخل كشور و در میان مردم جا برای فعاليت اجنبیان و دشمنان افغانستان باقی نمیماند و يك حكومت مقتدر و واقعی در سراسر كشور البته به شیوه های ديموكراتيك و با در نظر داشت منافع ملی احمال قدرت میکند.

تجربه تاريخ معاصر كشور ما به صراحت به ما ميرساند كه هرگونه سياست های كه بر محور ايدئولوژی، محل، قوم، زبان و مذهب متکی باشد نه تنها از حمايت مردم محروم است بلکه طراحان اين سياست ها شكاف عمیق تعصب بين خود وساير باشنده گان اين سرزمان ايجاد میکنند. استنباط ما اين است كه هيچ نیروی با سياست های ايدئولوژيك و قومی ولو به هر عنوانی كه باشد حاكميت ملی را در كشور تأمین كرده نمیتواند. (پایان قسمت سیزدهم)

ادامه دارد